

## Dual Application of the Coherence Theory and Qualitative Content Analysis in a Text-based Analysis of Imam Ali's (as) Jihadi Sermons

nazi ghanbari parikhani\*

Alibagher Taherinia\*\*

### Abstract

The text of Imam Ali's (as) sermons in the face of the opponents, in addition to the aesthetic dimension of its language structure, includes important epistemological and paratextual dimensions in its underlying layer. In this research, a combination of two methods, qualitative content analysis and Halliday coherence theory, has been used to study the text and the content of Imam Ali's (as) jihadi sermons and determine the hidden layers of behavioral and natural aspects of the army of truth and falsehood. Accordingly, the function of the elements of lexical coherence in expressing the actions of the Companions of Jamal is more focused on themes such as doubt, treachery, and greed, and Imam's (as) reaction to them can be summed up in certainty, patience, composure and trust in God. Also, during the Battle of Siffin, the cohering elements of words are related to the nature of the enemy, i.e. their inner disbelief, seduction, and militancy. These concepts are highlighted in contrast to the theistic, guiding and pacifist personality aspects of Imam Ali (as). Each of these themes has been emphasized in the form of different words and expressions through the lexical elements of consonance or recurrence, especially through synonymy and repetition.

**Keywords:** Coherence Theory, Qualitative Content Analysis, Imam Ali (as), Companions of Jamal, Leaders of the Levant (Shām) Corps.

---

\* Ph.D. of Tehran university, n.ghanbari@ut.ac.ir

\*\* Professor at Tehran University, btaheriniya@ur.ac.ir

Date received: 2020-02-06, Date of acceptance: 2020-06-02

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## کاربست دوگانه نظریه انسجام و تحلیل محتوای کیفی در تحلیل متن محور خطبه‌های جهادی امام علی (ع)

نازی قنبری پریخانی\*

علی باقر طاهری نیا\*\*

### چکیده

متن خطبه‌های امام علی (ع) در مواجهه با مخالفین، افزون بر بعد زیباشناختی ساختار زبان، مشتمل بر ابعاد معرفتی و پیرامنتی مهمی در لایه زیرساخت آن است. در این پژوهش تلفیقی از دو روش تحلیل محتوای کیفی و نظریه انسجام هالییدی به کار گرفته شده است تا متن و محتوای خطبه‌های جهادی امام علی (ع) به صورت همزمان مورد مذاقه قرار گرفته و لایه‌های پنهان جنبه‌های رفتاری و ماهیتی سپاه حق و باطل مشخص گردد. بر همین اساس کارکرد عناصر انسجام واژگانی در بیان کنش اصحاب جمل بیشتر معطوف به مضامینی مانند شک، بیعت شکنی، حرص و طمع بوده و واکنش علی (ع) در برابر آنها در یقین، صبر، خونسردی و توکل به خداوند خلاصه می‌شود. در جریان جنگ صفین نیز عناصر انسجام‌بخش واژگان، ناظر بر بُعد ماهیتی دشمن یعنی کفر باطنی، اغواگری و ستیزه‌جویی آنهاست و در تقابل با جنبه‌های شخصیتی خداگرایانه، هدایت‌گرانه و صلح طلبانه امام علی (ع) برجسته می‌گردد. هرکدام از مضامین مذکور در قالب کلمات و تعبیر مختلف به واسطه عناصر واژگانی هم‌آبی یا بازآبی، به ویژه از طریق ترادف و تکرار مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

\* دکترای زبان و ادبیات عربی، گروه عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
(نویسنده مسئول)، n.ghanbari@ut.ac.ir

\*\* استاد زبان و ادبیات عربی، گروه عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران،  
btaheriniya@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

**کلیدواژه‌ها:** نظریه انسجام؛ تحلیل محتوای کیفی؛ امام علی (ع)؛ اصحاب جمل؛ سران سپاه شام.

## ۱. مقدمه

تحولات سیاسی-اجتماعی جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) به واسطه ظرافت، پیچیدگی و حساسیت‌زا بودنش مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و هر یک از آنان از زاویه دید خاص خود به تحلیل پدیده‌ها و رخداد‌های آن دوره پرداخته‌اند. جنگ‌های به وقوع پیوسته، در آن مقطع زمانی از جمله مهم‌ترین و اثرگذارترین این رخدادها به شمار می‌رود. در این راستا از متقن‌ترین منابع و داده‌های قابل پردازش آن برهه، خطبه‌های ایراد شده توسط امیرمؤمنان علی (ع) است که به طرق مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

### ۱.۱ بیان مسئله

یکی از روش‌های تحلیل متن، به کارگیری رویکرد انسجام متن از هلیدی و حسن (۱۹۷۶) است. این نظریه یکی از رهیافت‌های مهم در مطالعات زبان شناختی متن محسوب می‌گردد که به تازگی مورد توجه پژوهشگران مطالعات میان رشته‌ای قرار گرفته است. طبق این نظریه جملات متن روابط معینی دارند که آن را از مجموعه جملاتی که تصادفی کنار هم قرار گرفته‌اند، جدا نموده و آن را به عنوان یک متن مشخص می‌سازد. در حقیقت نظریه انسجام برای پیاده سازی روی یک متن مشخص که آغاز و پایان مشخصی دارد مانند یک شعر یا داستان طراحی شده است. این در حالی است که با استفاده از روش تحلیل محتوا به طور همزمان می‌توان روی داده‌های فراوانی که از چند اثر مجزا جمع آوری شده، فرایند تجزیه و تحلیل را انجام داد. به شرط اینکه منبع داده‌های ما متناسب با هدف تحقیق نقطه اشتراکی با یکدیگر داشته باشند به عنوان نمونه کلیه آثار یک نویسنده، مجموعه ای از اشعار یک دیوان، مصاحبه‌های یک مسئول، خطبه‌ها و یا سخنرانی‌های یک شخص.

بنابراین از آنجا که عوامل انسجام موجود در نظریه هالیدی جهت تحلیل انسجام و پیوستگی یک اثر طراحی شده است؛ لذا برای بررسی انسجام در چند اثر مثل آثار یک نویسنده شاید بتوان با به کارگیری روش ترکیبی، به نتیجه بهتری رسید. به این شکل که ابتدا با بهره گیری از روش تحلیل محتوای کیفی، تمامی مضامین مرتبط با هدف تحقیق از

میان آثار نویسنده شناسایی و جمع‌آوری شده و سپس با استفاده از نظریه انسجام هالیدی، عوامل انسجام در میان آنها جستجو گردد. البته مسلم است که در چنین پژوهشی عناصر انسجام دستوری (ارجاع، حذف، جانمایی و ادات ربط) کنار گذاشته می‌شود؛ چرا که این عناصر برای بررسی انسجام در جمله‌های به هم پیوسته یا نزدیک به هم یک متن (یک اثر) به کار بسته می‌شوند. در نتیجه برای بررسی انسجام چند متن (اثر) مجزا از یکدیگر کاربرد ندارد. در مقابل، انسجام واژگانی (هم آبی و بازآبی) جهت تحلیل چند اثر به طور همزمان بسیار مناسب به نظر می‌رسد.

## ۲.۱ پیشینه پژوهش

در چند سال اخیر شاهد تحقیقات گسترده‌ای در زمینه تحلیل متن نهج البلاغه بر اساس نظریه انسجام هالیدی بوده‌ایم که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

عبدالعلی آل بویه لنگرودی در مقاله «هم آبی واژگانی و نقش آن در انسجام خطبه‌های نهج البلاغه» (۱۳۹۱) عناصر مختلف هم آبی واژگانی را در تعدادی از خطبه‌های نهج البلاغه بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که کارکرد هم آبی در نهج البلاغه بیشتر معطوف به دو قسم ارتباط با موضوع معین و تقابل است.

ابراهیم ابراهیمی در مقاله «ابزارهای آفریننده انسجام متنی در خطبه اول نهج البلاغه» (۱۳۹۶) به شیوه توصیفی تحلیلی، به بررسی عوامل انسجام ساز (بر اساس نظریه هالیدی) پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که خطبه اول نهج البلاغه علی‌رغم تنوع موضوعات و محورهای متعدد، از انسجامی قابل توجه برخوردار است.

خلیل پروینی در مقاله «بررسی نقش عامل تکرار در انسجام بخشی به خطبه‌های نهج البلاغه براساس الگوی انسجام هالیدی و حسن» (۱۳۹۳) به بررسی کارکرد عامل تکرار، به عنوان یکی از دو مقوله اصلی انسجام واژگانی در نهج البلاغه پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مترادف به عنوان گونه‌ای از تکرار در ایجاد انسجام واژگانی و تداوم متنی در خطبه‌های نهج البلاغه کارکرد و اهمیتی ویژه دارد.

در زمینه تحلیل محتوای کیفی نهج البلاغه نیز تحقیقاتی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

محمد جانی پور در کتاب «اخلاق در جنگ: تحلیل محتوایی مکاتبات امیرالمؤمنین علی علیه السلام و معاویه» با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی مکاتبات بین

امام علی (ع) و معاویه در جریان جنگ صفین و شخصیت معاویه پرداخته و علل وقوع و شکل گیری این جریان تاریخی و همچنین عبرت‌ها و پیامدهای آن برای حاکمان و مردم جامعه اسلامی را به واسطه ارائه مدل‌های تحلیلی از کلمات حضرت (ع) تبیین نموده است. همچنین زینب نریمانی در رساله دکتری خود با عنوان «تحلیل محتوای کیفی نامه‌های حکومتی امام علی (ع)» (۱۳۹۷) و نازی قنبری در رساله دکتری خود با عنوان «تحلیل محتوای کیفی خطبه‌های جهادی امام علی (ع)» (۱۳۹۶) با به کارگیری این روش به کدگذاری، مقوله‌بندی و تحلیل نامه‌ها و خطبه‌های امام (ع) پرداخته و به نتایج قابل توجهی در رابطه با دیدگاه‌های سیاسی، مبانی فکری، عقیدتی و اخلاقی حضرت علی (ع) دست یافته‌اند.

چنانچه ملاحظه می‌شود، در هیچ کدام از تحقیقات ذکر شده، تلفیقی از دو روش تحلیل محتوای کیفی و نظریه انسجام هالیدی به کار گرفته نشده است. در پژوهش حاضر با ترکیب این دو روش، خطبه‌های جهادی امام (ع) مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۳.۱ ضرورت پژوهش

با توجه به اینکه به کارگیری چنین روش ترکیبی، که بر پایه لفظ و معناست، در تحلیل، نقد و بررسی متون فاخر عربی کاربرد وسیعی ندارد، امیدواریم تا این روش، راه را برای نقد و تحلیل علمی تر این متون باز نماید و خوانندگان هرچه بیشتر به ارزش هنری این آثار ادبی پی ببرند. نتایج این پژوهش می‌تواند در زمینه دستیابی به معانی و تعبیر نهفته در لایه‌های پنهان نهج البلاغه کمک مؤثری نموده و راه را برای درک عمیق تر، افزایش جذابیت و انگیزش خوانش چنین متون ارزشمندی فراهم نماید.

### ۲. مبانی نظری پژوهش

#### ۱.۲ روش تحلیل محتوای کیفی

امروزه تحلیل محتوا با دو روش کمی و کیفی به عنوان یکی از گسترده‌ترین ابزارهای تحلیل، در طیف وسیعی از کاربردهای پژوهشی در علوم اطلاعات و کتابخانه‌های مورد استفاده قرار گرفته است و روشی قابل قبول خصوصاً در بررسی‌های متنی است (مهرداد، ۱۳۹۴: ۱۰). در مورد روش تحلیل محتوای کیفی تعاریف گوناگونی ارائه شده است.

سیوفانگ و شانون، از محققین حوزه علوم پرستاری، تحلیل محتوا را «روشی تحقیقی معرفی می‌کنند که برای تفسیر ذهنی داده‌های متنی از طریق یک فرایند طبقه‌بندی قاعده‌مند، مضامین یا الگوها را شناسایی و کدگذاری می‌کند» (ایمان، ۱۳۹۰: ۲۰). نجلا حریری نیز در تعریف این روش می‌گوید: «تحلیل محتوای کیفی روشی است که با استفاده از رویکرد کیفی و با به کارگیری فنون مختلف، به تحلیل نظام‌مند متون حاصل از مصاحبه‌ها، یادداشت‌های روزانه، یادداشت‌های مشاهدات و یا اسناد می‌پردازد» (۱۳۸۵: ۲۶۴). چندین مرحله بایستی در فرایند انجام تحلیل محتوا طی شود: ۱. مشخص کردن مسأله پژوهش، ۲. تعیین سوالات و اهداف و مشخص کردن رویکرد، ۳. تعریف و مشخص کردن متغیرها، ۴. نمونه‌گیری و انتخاب واحد تحلیل (واحد معنا) و زمینه، ۵. کدگذاری و مقوله‌بندی، ۶. تحلیل و استنباط نتایج و گزارش (مؤمنی‌راد، ۱۳۹۲: ۱۹۹).

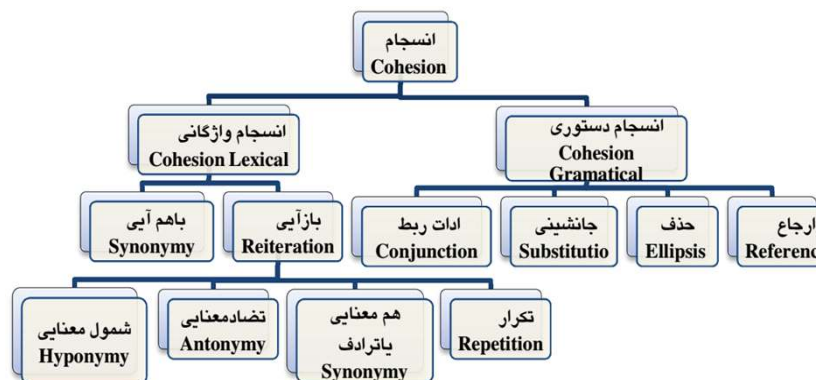
## ۲.۲ نظریه انسجام

یکی از نگرش‌های مهم زبانشناسی نظری که به نقش‌های زبانی توجه دارد، زبانشناسی نقش‌گراست که در آن به عناصر زبانی، نقش آنها و گره‌های انسجامی متن توجه بیشتری نشان داده می‌شود. مایکل هالیدی و رقیه حسن نخستین پژوهشگرانی هستند که نظریه انسجام را در سال ۱۹۷۶ عنوان کردند. سپس رقیه حسن در سال ۱۹۸۴ و هالیدی در سال ۱۹۸۵ به تکمیل آن پرداختند (سارلی، ۱۳۹۰: ۳).

انسجام متن، مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به عنوان متن مشخص می‌سازد (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۳۰). از دیدگاه هالیدی و حسن (۱۹۷۶: ۵) بخشی از انسجام از رهگذر دستور و بخشی دیگر از رهگذر واژگان تحقق می‌یابد؛ بنابراین میتوان گفت دو نوع انسجام داریم: دستوری و واژگانی. عوامل انسجام دستوری، ارجاع، حذف و جانمایی اند. مهم‌ترین عوامل واژگانی نیز بازآیی و باهم آیی اند.

انسجام واژگانی را حضور واژه‌های مشابه و مرتبط به وجود می‌آورد و در واقع، این نوع انسجام مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معانی خود با یکدیگر دارند و متن به واسطه این روابط می‌تواند تداوم و انسجام به خود بگیرد (ایشانی،

در شکل 1 انواع انسجام متن نشان داده شده است.



شکل 1: دسته‌بندی انسجام متن

## ۱.۲.۲ عناصر انسجام واژگانی

۱) باهم آبی: نوعی دیگر از انسجام واژگانی که با گرد هم آمدن واژگان در یک موضوع مشخص سبب انسجام متن می‌شود که این واژگان به نوعی با هم مرتبط اند. در واقع در بلاغت به عنوان صنعت مراعات النظیر یا تناسب از آن یاد شده است و باعث ارتباط جملات متن و تناسب و استحکام درونی شعر می‌شود. «به طور کلی، با هم آبی، آمدن دو یا چند ماده واژگانی است که در بافت‌های مشابه ظاهر می‌شوند و چنانچه در جمله‌های مجاور بیایند، یک نیروی انسجام آفرین به حساب می‌آیند» (فروزنده، ۱۳۹۳: ۱۱۷)

۲) بازآبی: که خود بر چهار گونه است: الف) تکرار یا بازآبی همان عنصر ب) هم معنایی یا مترادف ج) تضاد معنایی د) شمول معنایی  
الف) تکرار یا بازآبی همان عنصر

در یک متن واژه‌های بسیاری وجود دارند که بیش از یک بار تکرار شده اند، اما آنچه که سبب انسجام متن می‌شود تکرار واژه‌های مهم آن است. بسیاری از واژه‌های دستوری، همانند حروف اضافه و حروف ربط ممکن است در متن زیاد مورد استفاده قرار گرفته باشند؛ هرچند که این واژه‌ها نیز در انسجام متن تأثیرگذارند، اما در نقش مورد نظر بر این واژه‌ها تأکید نمی‌شود، بلکه فقط واژه‌هایی که به واژه‌های متنی معروف اند، در متن دارای نقش انسجامی هستند. به عبارتی ساده تر تکرار عاملی است که طی آن، عناصری از



جمله‌های قبلی متن در جمله‌های بعدی تکرار میشود (آقا گل زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۸). تکرار کلمات مهم و کلیدی در متن میتواند مضمون اصلی متن را بارزتر و فهم آن را آسانتر و سریعتر کند (محمد، ۲۰۰۹: ۱۰۵).

(ب) هم معنایی یا ترداف

ترادف، کاربرد واژه‌های هم معنی است؛ هر چند صفوی وجود واژه‌های کاملاً مترادف را غیر ممکن میداند (۱۳۷۹: ۱۱۰-۱۰۶). کاربرد دو یا چند واژه هم معنا در یک قطعه زبانی به آن انسجام و یکپارچگی می‌بخشد. در واقع، هم معنایی نوعی تکرار است که یک معنای واحد در دو واژه ای که از نظر آوایی متفاوت باشند، تکرار شود. در هم معنایی یک گره انسجامی، دو واژه را به هم پیوند می‌دهد (وفایی، ۱۳۹۶: ۴۰).

(ج) تضاد معنایی

بیان یک اندیشه با در تقابل قرار دادن واژه‌ها گاهی منجر به تصویر و موسیقی شگفت انگیز می‌شود. «تضاد آن است که بین معنی دو یا چند لفظ، تناسب منفی باشد؛ یعنی کلمات از نظر معنی، عکس و ضد هم باشند» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۰۹) و یا «در تقابل قرار دادن اشیاء و مفاهیم متضاد است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۰۸).

(د) شمول معنایی

شمول معنایی عبارت از رابطه ای است که بین یک طبقه عام و طبقه‌های زیر مجموعه آن برقرار است. عناصری که به طبقه عام اشاره دارد، فراگیری نام دارند و آن عناصری که به طبقه‌های زیر مجموعه آن اشاره می‌کنند، به شمول معنایی شهرت دارند (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۱۹۲).

به عبارت دیگر یعنی مفهوم یک واژه مفاهیم چند واژه دیگر را شامل شود (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۳۲) یا اسمی که مبنای مشترکی را در بین چندین اسم حمل میکند، مثلاً کلمه انسان شامل مرد، زن، دختر، بچه و شخص میشود (عبدالمجید، ۱۹۹۸: ۸۳).

### ۳. فرایند پژوهش

در مرحله اول خطبه‌های جهادی امام(ع) (جنگ جمل و صفین) جمع آوری شده است.

در مرحله دوم بر پایه واحد تحلیل مضمون، مضامین مشترک خطبه‌های مذکور امام(ع) با استفاده از نرم افزار تحلیل داده‌های کیفی مکس کیودا (MAXQDA) در دو مقوله کلی کنش دشمن و واکنش امام علی(ع) دسته بندی شده و در قالب جدول ذکر شده است. در مرحله سوم عناصر انسجام واژگانی شامل باهم‌آیی و بازآیی (تکرار، مترادف، تضاد معنایی و شمول معنایی) در بین واژگان و شواهد این دسته از مضامین بررسی گردیده است.

در مرحله چهارم از طریق تحلیل و کنار هم گذاشتن واژگان انسجام بخش، الگوی حاکم بر رفتار حکومتی امام علی(ع) ترسیم شده و لایه‌های پنهان سخنان امام(ع)، در معرفی وجوه مختلف حق و باطل، مورد کنکاش قرار گرفته است.

### ۱.۳ تحلیل مضامین

در این بخش پس از بررسی آثار صاحب نظران درباره مبانی رویکرد انسجام متنی و معرفی روش تحلیل محتوای کیفی، کارکرد این دو رویکرد نوین در تبیین عناصر انسجام واژگانی در خطبه‌های جهادی امام علی(ع) قبل از جنگ جمل و در جنگ صفین مورد تحلیل قرار گرفته است.

کنش اصحاب جمل و واکنش امام علی(ع):

ابتدا بر پایه واحد تحلیل مضمون، مضامین مشترک خطبه‌های مذکور امام(ع) بر اساس نرم افزار تحلیل داده‌های کیفی مکس کیودا در دو مقوله کلی کنش اصحاب جمل و واکنش امام علی(ع) دسته بندی شده و در قالب جدول ذکر می‌شود. در ادامه، بر پایه مبانی چهارچوب نظری تحقیق، عوامل انسجام واژگانی در مضامین خطبه‌های امام(ع) مشخص می‌شود. بنابراین ابتدا فرازهای مربوط به این دو مقوله در قالب جدول زیر ارائه می‌گردد.

جدول 1

خطبه	واکنش امام(ع)	خطبه	کنش مخالفان (اصحاب جمل)
169	سَأَصْبِرُ مَا لَمْ أَحْفَ عَلَى جَمَاعَتِكُمْ	169	إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ تَمَاتُوا عَلَى سَخَطَةِ إِمَارَتِي
174	قَدْ كُنْتُ وَمَا أَهْدُدُ بِالْحَرْبِ وَلَا أَرْهَبُ بِالضَّرْبِ		إِنَّمَا طَلَبُوا هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَدًا لِمَنْ أَقَاءَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ
	33	أَنَا عَلَى مَا قَدْ وَعَدَنِي رَبِّي مِنَ النَّصْرِ	فَارَادُوا رَدَّ الْأُمُورِ عَلَى أَذْبَارِهَا
	إِنْ كُنْتُ لَفِي سَاقِهَا حَتَّى أَوْلَتْ أَتَوَلَّتْ	174	وَاللَّهِ مَا اسْتَعْجَلْتُ مُتَجَرِّدًا لِلطَّلَبِ بِدَمِ عُثْمَانَ إِلَّا

	يَحْدَأْفِرْهَا مَا [ضَعْفَتْ] عَجَزَتْ وَ لَا جَبْتُ وَ إِنَّ مَسِيرِي هَذَا لَمِنْهَا		خَوْفًا مِنْ أَنْ يُطَالِبَ بِدَمِهِ
	فَلَا تَقْبِنَنَّ الْبَاطِلَ حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْحَقُّ مِنْ جَنْبِهِ.		فَأَرَادَ أَنْ يُعَالِطَ بِمَا أَجْلَبَ فِيهِ لِيَلْتَبِسَ الْأَمْرُ وَيَقَعَ الشُّكُّ
	وَ اللَّهُ لَقَدْ قَاتَلْتَهُمْ كَافِرِينَ وَ لَأُقَاتِلَنَّهُمْ مُفْتَوِينَ	33	وَ اللَّهُ مَا تَتَّقِمُ مِمَّا فَرِئَسَ إِلَّا أَنْ اللَّهُ اخْتَارَنَا عَلَيْهِمْ
	إِنِّي لَصَاحِبُهُمْ بِالْأَمْسِ كَمَا أَنَا صَاحِبُهُمْ الْيَوْمَ		وَ اللَّهُ... لَأَجْعَلُوا بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ نَصْفًا
22	إِنِّي لَرَاضٍ بِحُجَّةِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ عِلْمِهِ فِيهِمْ	22	إِنَّهُمْ لَيَطْلُبُونَ حَقًّا هُمْ تَرَكُوهُ وَ دَمًا هُمْ سَفَكُوهُ
	إِنِّي لَعَلِي بَيِّنٍ مِنْ رَبِّي وَ غَيْرِ شَيْئِهِ مِنْ دِينِي		يَرْتَضِعُونَ أَمَّا قَدْ فَطَمْتُ وَ يُحْيُونَ بِدَعْوَةِ قَدْ أَمِيتَتْ
6	لَكِنِّي أَضْرِبُ بِالْمُقْبِلِ إِلَى الْحَقِّ الْمُدْبِرَ عَنْهُ وَ بِالسَّمَاعِ الْمُطِيعِ الْعَاصِيَ الْمُرِيبَ أَبَدًا حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيَّ يَوْمِي	9	وَ قَدْ أَرْعَدُوا وَ أْبْرَقُوا
	إِنَّ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي مَا لَيْسَتْ وَ لَا لَيْسَ عَلَيَّ		يَزْعُمُ أَنَّهُ قَدْ بَايَعَ بِيَدِهِ وَ لَمْ يُبَايِعْ بِقَلْبِهِ
137	لَأَفْرَطَنَّ لَهُمْ حَوْضًا أَنَا مَا تَحَهُ لَا يَصْدُرُونَ عَنْهُ بِرِيٍّ وَ لَا يَعْبُونَ بَعْدَهُ فِي حَسْبِي.	8	فَقَدْ أَقْرَ بِالْبَيْعَةِ وَ ادَّعَى الْوَلِيَّةَ
	وَ لَقَدْ اسْتَبْتَنَهُمَا قَبْلَ الْقِتَالِ وَ اسْتَأْنَيْتُ بِهِمَا أَمَامَ الْوُقَاعِ	137	اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا فَطَعَانِي وَ ظَلَمَانِي وَ نَكَثَا بَيْعَتِي وَ أَلْبَا النَّاسَ عَلَيَّ

در این بخش ابتدا عناصر انسجام واژگانی مضامین مرتبط با کنش اصحاب جمل مورد بررسی قرار میگیرد:

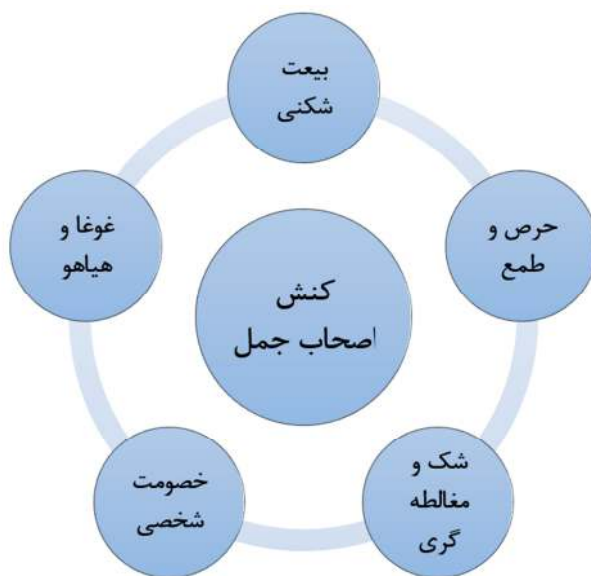
تکرار: فعل "طلبوا" در خطبه ۱۶۹ به صورت فعل ماضی و مصدر "طلب" و فعل مضارع "أن يطالب" در خطبه ۱۷۴ تکرار شده است. همچنین این واژه به صورت فعل مضارع "يطلبون" در خطبه ۲۲ نهج البلاغه بازآیی شده است. علاوه بر این کلمه "اراد" در خطبه ۱۷۴ به شکل صیغه جمع "ارادوا" در همان خطبه تکرار شده است.

همانطور که مشاهده می شود، تکرار این واژه‌ها ارتباط و انسجام خاصی بین خطبه‌های قبل از جنگ جمل امام (ع) به وجود آورده است و به نوعی اجزای خطبه‌ها را به هم متصل ساخته است. تکرار کلمات در این دسته از مضامین به این صورت است که ریشه واژگان یکی بوده و واژه با اندکی تغییر در صیغه تکرار شده است، تکرار به این صورت تکرار جزئی نامیده می شود (عبدالمجید، ۱۹۹۸: ۸۲). این نوع از تکرار ذهن مخاطب را فعال می کند چرا که همانند تکرار تام، کلمه عیناً آورده نشده است تا واژه قبل سریع به ذهن خطور کند؛ بلکه با تغییراتی در ساختار واژه قبل به کار رفته؛ لذا ذهن مخاطب نیازمند تلاشی دو برابر است، تا متوجه تغییرات به وجود آمده شود و واژه قبل را به یاد آورد، این

امر نقش به سزایی در انسجام متنی خطبه‌های امام (ع) ایفا می‌کند چرا که سبب ارتباط بین خطبه‌ها و مضامین آن می‌گردد.

ترداف معنایی: در متن خطبه‌ها، واژه "اراد" در خطبه ۱۷۴ با واژه "طلبوا" در خطبه ۱۶۹ به نوعی ترداف معنایی دارند. همچنین در جدول مشاهده می‌شود که ترداف معنایی بیشتر در حوزه معنایی شک و ابهام زایی، همچون واژه‌های "يُعَالِطُ"، "يَلْتَبِسُ" و "الشَّكُّ" در خطبه ۱۷۴ و حوزه معنایی ادعا و اعتراف در واژه‌های "يَزْعُمُ"، "أَقْرَبُ" و "ادْعَى" دیده می‌شود. علاوه بر این موارد، کلمات "سَخَطُهُ"، "حَسَدٌ" و "تَنْقَمُ" نیز تقریباً در یک حوزه معنایی هستند. کلمات "تَمَالَّوْا"، "أَلْبَا النَّاسُ"، "ارْعَدُوا" و "أَبْرُقُوا" نیز بر ایجاد غوغا و هیاهو دلالت دارند.

در این عبارت‌ها، چنانکه مشاهده می‌شود، غالباً کلمات محوری به طرق مختلف بازآیی شده که با محتوای کلی خطبه‌ها که افشاگری در مورد اصحاب جمل است، ارتباط تنگاتنگی دارند؛ بازآیی این کلمات موضوع اصلی خطبه‌ها را تأکید نموده و همانند شبکه‌ای مرتبط اجزای خطبه‌های قبل از جنگ جمل را با هم مرتبط و منسجم می‌سازد. این بازآیی کلمات همچنین درک معنا را برای مخاطب آسان می‌سازد؛ چرا که مخاطب در بسیاری از فرازهای خطبه‌ها با واژگانی روبرو می‌شود که در فرازهای قبلی آنها را شنیده و با آنها آشنا شده است و به محض شنیدن دوباره آنها، عبارت‌های قبلی که این واژگان در آنها به نوعی تکرار و بازآیی شده‌اند، برایش تداعی می‌گردد. به عنوان مثال می‌توان گفت واژه‌های "حسد"، "سَخَطُهُ" و "تنقم" به همراه کلمات "فَطَعَانِي"، "ظَلَمَانِي"، "نَكْتًا بِيَعْتِي" ، "أَلْبَا النَّاسَ عَلَيَّ" و "أَلَا جَعَلُوا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ نَصِفًا" در ارتباط با موضوع معین یعنی خصومت شخصی سران جمل با امام (ع) هست و این موضوع را در ذهن مخاطب تداعی مینماید و یا عبارات "قطعانی"، "ظلمانی"، "قَدْ بَايَعَ بِيَدِهِ وَ لَمْ يُبَايِعْ بَقَلْبِهِ"، "يُحْيُونَ بَدْعَةَ"، "فَارَادُوا رَدَّ الْأُمُورِ عَلَيَّ أَدْبَارَهَا"، "قَدْ تَمَالَّوْا عَلَيَّ سَخَطَةَ إِمَارَتِي" در این خطبه‌ها در دایره شمول معنایی "نکت بیعت" قرار دارند که به تعابیر مختلف بیان شده‌اند و به طور کلی اگر بخواهیم از همه این کلمات و عبارات که با تعابیر مختلف تکرار (بازآیی) شده‌اند، فاکتور بگیریم کنش‌های مخالفین امام (ع) و علل آن در عبارات زیر خلاصه می‌گردد:



شکل 2

در ادامه به بررسی عبارات امام(ع) در واکنش به رفتار دشمن پرداخته می‌شود: چنانکه در جدول مشاهده می‌شود در این بخش از خطبه‌ها نیز برخی از مضامین در ضمن خطبه‌ها با تعابیر متفاوت تکرار (باز آیی) شده‌اند.

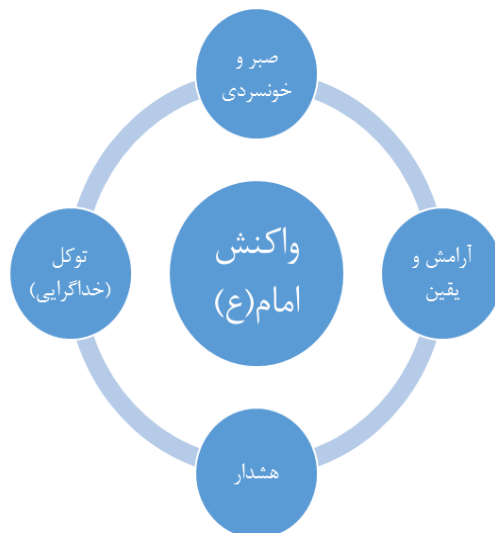
صبر: واژه "سَاصِرٌ" در خطبه ۱۶۹، با جمله «أَنَا صَاحِبُهُمْ» در خطبه ۳۳، و جمله «إِنِّي لَرَأْسُ بَحْجَةِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» در خطبه ۲۲، و «لَقَدْ اسْتَنْبَتُهُمَا وَاسْتَأْنَيْتُ بِهِمَا» در خطبه ۱۳۷ به نوعی در شمول معنایی صلح طلبی امام و تلاش برای جلوگیری از جنگ و خونریزی قرار می‌گیرند.

آرامش(خونسردی) و یقین: در عبارات «أَنَا عَلَى مَا قَدْ وَعَدَنِي رَبِّي مِنَ النَّصْرِ» در خطبه ۱۷۴، «عَلَى يَقِينٍ» و «غَيْرُ شُبْهَةٍ»، در خطبه ۲۲ و «إِنَّ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي مَا لَبَسْتُ وَلَا لُبْسَ عَلَى» در خطبه ۶ باهم آیی کلمات مربوط به یقین امام(ع) ملاحظه می‌شود. کاربرد این عبارات در قالب جمله اسمیه دلالت بر استمرار و ثبوت دارد. کاربرد حرف جر «علی» در عبارات «أَنَا عَلَى مَا وَعَدَنِي رَبِّي مِنَ النَّصْرِ وَالتَّأْيِيدِ وَالظَّفَرِ وَ إِنِّي لَعَلِي يَقِينٌ مِنْ رَبِّي» دلالت بر استعلاء و برتری امام(ع) در زمینه بصیرت و یقین دارد و نشان می‌دهد که آن حضرت دارای یقین کامل و بصیرت همیشگی بوده و هیچ وقت دچار تردید و خطا نشده است. در واقع

همین یقین و بصیرت ایشان باعث شده که در عملکرد خود در مقابل اصحاب جمل از قاطعیت کامل برخوردار باشد.

توکل به خداوند (خداگرایی): در جملات «أَنَا عَلَى مَا قَدَّ وَعَدْتِي رَبِّي مِنَ النَّصْرِ» در خطبه ۱۷۴، «إِنِّي لَرَاضٍ بِحُجَّةِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» در خطبه ۲۲ و «إِنِّي لَعَلِيَّ يَقِينُ مِنْ رَبِّي وَغَيْرِ شُبُهَةٍ مِنْ دِينِي» چنانچه ملاحظه می‌شود، کلمات "رب"، "الله" علاوه بر تکرار، کنار واژه‌هایی از جمله "قدوعد"، "رضایت"، "دین"، "حجه"، "یقین"، و "عدم شبهه" ذکر شده‌اند (باهم آیی) و همه در ارتباط با موضوع ایمان و خداگرایی قرار دارند و به نوعی می‌توان از جنبه باهم آیی دستوری مورد بررسی قرار داد. باهم آیی دستوری بدین معناست که دو یا چند واژه که ارتباط خاصی از نظر معنایی یا از نظر ساختاری باهم دارند، در ترکیب‌های مختلف دستوری در کنار هم قرار گیرند (ولئی، ۱۳۹۵: ۷۶). در این عبارات بین شبه فعل و جار و مجرور آن، رابطه خاصی وجود دارد که همنشینی آن دو برای مخاطب آشناست: در جمله «إِنِّي لَرَاضٍ بِحُجَّةِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» بین دو واژه "راض" و "حُجَّةِ اللَّهِ" و در جمله «إِنِّي لَعَلِيَّ يَقِينُ مِنْ رَبِّي وَغَيْرِ شُبُهَةٍ مِنْ دِينِي» بین دو واژه "یقین" و "مِنْ رَبِّي" و دو واژه "غَيْرِ شُبُهَةٍ" و "مِنْ دِينِي" رابطه باهم آیی وجود دارد که به صورت شبه فعل و جارومجرور به کار رفته‌اند.

هشدار (بیان شجاعت و قاطعیت): جملات «وَمَا أُهَدِّدُ بِالْحَرْبِ، لَأُرْهَبُ بِالضَّرْبِ» خطبه ۱۷۴، «سَأَصْبِرُ مَا لَمْ أَخَفْ عَلَى جَمَاعَتِكُمْ» خطبه ۱۶۹، «مَا [ضَعُفْتُ] عَجَزْتُ وَ لَأَا جَبُنْتُ وَ إِنِّ مَسِيرِي هَذَا لِمِثْلِهَا» (مرجع ضمیر "ها": دوران پیامبر (ص))، «فَلَأَتَقَبَّنَّ الْبَاطِلَ حَتَّى يَخْرُجَ الْحَقُّ مِنْ جَنْبِهِ»، «لَأُقَاتِلَنَّهُمْ مَفْتُونِينَ» خطبه ۳۳، «أَضْرِبُ بِالْمُقْبِلِ إِلَى الْحَقِّ الْمُدْبِرَ عَنْهُ وَ بِالْسَّامِعِ الْمُطِيعِ الْعَاصِيَ الْمُرِيبِ أْبْدًا حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيَّ يَوْمِي» خطبه ۶ همه در حوزه معنایی شجاعت و روحیه جهاد گری امام (ع) قرار می‌گیرد. در عبارات بالا کلمات (مَا أُهَدِّدُ وَ لَأَا رُهَبُ)، (الْحَرْبِ وَ الضَّرْبِ)، (مَا عَجَزْتُ وَ لَأَا جَبُنْتُ) و (أْبْدًا وَ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيَّ يَوْمِي) با یکدیگر به نوعی رابطه مترادف معنایی (یا شبه مترادف) دارند. همچنین کلمات (الْبَاطِلِ وَ الْحَقِّ)، (الْمُقْبِلِ إِلَى وَ الْمُدْبِرَ عَنْ)، (السَّامِعِ الْمُطِيعِ وَ الْعَاصِيَ الْمُرِيبِ) به صورت تضاد معنایی به کار رفته‌اند. طبق مضامین بالا واکنش امام (ع) در مواجهه با مخالفین در موارد زیر خلاصه می‌گردد:



شکل 3

با مقایسه دو شکل ۲ و ۳ ملاحظه می‌شود که رویکرد امام(ع) و رویکرد اصحاب جمل در تقابل با یکدیگر قرار دارد: یقین در مقابل شک، خصومت و غوغا و هیاهو در مقابل صبر و صلح طلبی. و نیز روشن می‌شود واکنش و به نوعی راهکار امام(ع) در مواجهه با بیعت شکنی، شبهه افکنی و مغالطه گری، حرص و طمع و خصومت شخصی مخالفان، صبر و خونسردی، آرامش و یقین، هشدار و توکل به خداوند است؛ به بیانی دیگر می‌توان گفت در مواجهه با چنین مواردی امام علی(ع) دستور جنگ و برخورد قاطع نمی‌دهد. پس چه جریانی به وقوع می‌پیوندد که امام علی(ع) دستور جنگ را صادر می‌نماید؟ در ادامه به بررسی همین موضوع پرداخته می‌شود:

پس از آن که اصحاب جمل به بصره رسیدند "عثمان ابن حنیف"، فرماندار امام(ع)، را دستگیر کرده و بعد از شکنجه فراوان او قصد کشتن او را کردند ولی به خاطر ترس از برادرش، سهل بن حنیف رهایش کردند و او نزد امام(ع) رفت و سپس اصحاب جمل طبق گفته ابو مخنف چهار صد نفر از "سبابحه" (قومی از سندن) را کشتند (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۸: ۹ / ۲۰۷-۲۰۵) و امام(ع) در خطبه‌های قبل از جنگ جمل به بیان این جنایات وحشتناک آنها می‌پردازد که از جمله آنها، غارت بیت المال، ایجاد نفاق و تفرقه میان اهل بصره و کشتار دسته جمعی آنها است:

فَقَدِمُوا عَلَيَّ عُمَالِي وَ خُرَّانَ بَيْتِ [مَال] الْمُسْلِمِينَ الَّذِي فِي يَدَيَّ وَ عَلَيَّ أَهْلَ مِصْرَ، كُلُّهُمْ فِي طَاعَتِي وَ عَلَيَّ بَيْعَتِي، فَشَتَّتُوا كَلِمَتَهُمْ وَ أَفْسَدُوا عَلَيَّ جَمَاعَتَهُمْ وَ وَتَّبَعُوا عَلَيَّ شِيعَتِي، فَقَتَلُوا طَائِفَةً مِنْهُمْ غَدْرًا وَ [طَائِفَةً] طَائِفَةً عَضُوا عَلَيَّ أَسْيَافِهِمْ، فَضَارَبُوا بِهَا حَتَّى لُقُوا اللَّهَ صَادِقِينَ (خطبه ۲۱۸)

بنابراین دستور امام(ع) به جنگ با اصحاب جمل در تضاد با صلح طلبی ایشان قرار ندارد چرا که ایشان به آنان هشدار داده بود ( چنانچه در جدول ذکر شده: « سَأَصْبِرُ مَا لَمْ أُخَفْ عَلَيَّ جَمَاعَتِكُمْ» / خطبه ۱۶۹) تا زمانی که دست به ایجاد تفرقه و تشتت مسلمانان نزنند، صبر خواهد نمود. در واقع خط قرمز امام(ع) حفظ وحدت مسلمین بود در نتیجه به دنبال جنایات اصحاب جمل و تفرقه افکنی و تشتت آنان در بصره دستور جنگ را صادر نمودند و در خطبه ۲۱۸ چنانچه ملاحظه می‌شود کلمات مربوط به تشتت و تفرقه افکنی با تعابیر مختلف، تکرار (بازآیی) شده است که میزان اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد.



شکل ۴

جملات « شَتَّتُوا كَلِمَتَهُمْ»، « وَ أَفْسَدُوا عَلَيَّ جَمَاعَتَهُمْ»، « وَتَّبَعُوا عَلَيَّ شِيعَتِي»، « فَقَتَلُوا طَائِفَةً مِنْهُمْ غَدْرًا» نسبت به یکدیگر رابطه ترداف (شبه ترداف) معنایی دارند و همگی در تضاد با حفظ «جماعه» قرار دارند.

در ادامه بحث، فرازهای مربوط به معرفی سران سپاه شام و امام علی(ع) در قالب جدول ارائه می‌گردد:

معرفی سران سپاه شام



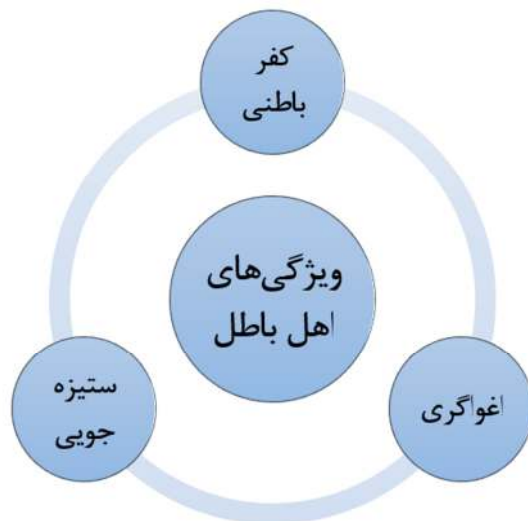
جدول 2

متن خطبه	سند	متن خطبه	سند
وَأَذَى فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ التَّسْمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَلَكِنْ إِسْتَسْلَمُوا وَأَسْرُوا الْكُفْرَ	کلام 196 نهج السعادة به نقل از کتاب صفین منقري صفحه 215	فَلَمْ تَتَّاهُوا عَنْ طُعْيَانٍ وَلَمْ تُجِيبُوا إِلَيَّ حَقًّا	کلام امام (ع) به نقل از کتاب صفین منقري صفحه 203
نحنُ سائرون - إن شاء الله - إلى من سبَّه نفسه و... معاوية وَجُنْدِهِ الْفِتَّةِ الْبَاغِيَةِ الطَّاغِيَةِ	خطبه 184 نهج السعادة به نقل از کتاب صفین منقري صفحه 112	فَلَمْ يَرُعْنِي إِلَّا شَقَاؤُ رَجُلَيْنِ قَدْبَايَعَانِي وَخِلَافُ مَعَاوِيَةَ إِيَّاكَ الَّذِي لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ سَابِقَةَ فِي الَّذِينَ وَلا سَلَفَ صَدَقَ فِي الْإِسْلَامِ	خطبه امام (ع) به نقل از کتاب صفین منقري صفحه 201
يَقُودُهُمْ إِبْلِيسُ وَيَبْرِقُ لَهُمْ بِيبَارِقِ تَسْوِيفِهِ وَيُدْلِهِمْ بِغُرُورِهِ	خطبه 184 نهج السعادة به نقل از کتاب صفین منقري صفحه 112	طَلِيقُ ابْنِ طَلِيقٍ وَحِزْبُ مِنَ الْأَحْزَابِ	خطبه امام (ع) به نقل از کتاب صفین منقري صفحه 201
أَمَّا الدَّبْرَةُ فَأَيْنَاهَا عَلَى الضَّالِّينَ العاصيين ، ظفروا أو ظفروا بهم	خطبه 181 نهج السعادة به نقل از کتاب صفین منقري صفحه 95	لَمْ يَزَلْ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُسْلِمِينَ عَدُوًّا هُوَ وَأَبُوهُ حَتَّى دَخَلَا فِي الْإِسْلَامِ كَارْهِينَ مُكْرَهِينَ	خطبه امام (ع) به نقل از کتاب صفین منقري صفحه 201
فَإِنَّ الْقَوْمَ قَدْ بَدَّوْكُمْ بِالظُّلْمِ ، وَفَاتَحَوْكُمْ بِالْبَغْيِ ، وَأَسْتَقْبَلُوكُمْ بِالْعُدْوَانِ قَدْ اسْتَطَعْمَوْكُمْ الْقِتَالَ	خطبه 51 نهج البلاغه	أَلَا وَإِنَّ مُعَاوِيَةَ قَادِمَةٌ مِنْ الْعُوَاذَةِ وَعَمَسَ عَلَيْهِمُ الْخَبْرَ حَتَّى جَعَلُوا نُحُورَهُمْ أَغْرًا ضَ الْمَيْتَةِ	خطبه 51 نهج البلاغه
وَاللَّهِ لِأَقْرَبُ قَوْمٍ مِنَ الْجَهْلِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، قَوْمٌ قَاتَدُهُمْ وَ مُؤَدِّبُهُمْ مُعَاوِيَةُ وَ... وَ الْمَجْلُودُ حَدًّا فِي الْإِسْلَامِ	کلام 215 نهج السعادة	إِنَّ هَذَا هُوَ الْخَطْبُ الْجَلِيلُ أَنْ فُسَّاقًا كَانُوا عِنْدَنَا غَيْرِ مَرْضِيَّينَ وَ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ مُتَخَوِّفِينَ ، أَصْحَابُوا وَ قَدْ خَدَعُوا شَطْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ	کلام 215 نهج السعادة
وَهُمْ يَدْعُونَنِي إِلَى عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ	کلام 215 نهج السعادة	فَأَشْرَبُوا قُلُوبَهُمْ حُبَّ الْفِتْنَةِ فَاسْتَمَالُوا أَهْوَاءَهُمْ بِالْإِفْكِ وَالْبُهْتَانِ وَ قَدْ نَصَبُوا لَنَا الْحَرْبَ	کلام 215 نهج السعادة
وَ جَدُّوْا فِي إِطْفَاءِ نَوْرِ اللَّهِ	کلام 215 نهج السعادة	وَ قَدْ عَلِمْتُمْ مَنْ رَتَّبَهُمْ مُنَافِقُ ابْنِ مُنَافِقٍ يَدْعُوهُمْ إِلَى النَّارِ... مُعَاوِيَةُ طَلِيقُ ابْنِ طَلِيقٍ وَاللَّهُ إِنَّكُمْ لَعَلَى حَقٍّ وَإِنَّهُمْ لَعَلَى بَاطِلٍ	خطبه 217 نهج السعادة

در جدول بالا واژه «اسلام» چهار بار تکرار شده است و کاربرد این واژه در عبارات «لَا سَلْفَ صَدَقَ فِي الْإِسْلَامِ»، «وَعَلَى الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ مُتَخَوِّفِينَ»، «وَالْمَجْلُودُ حَدًّا فِي الْإِسْلَامِ» و «حَتَّى دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ كَارِهِينَ مُكْرِهِينَ» و «وَلَا سَلْفَ صَدَقَ فِي الْإِسْلَامِ» دوری سران سپاه شام و تقابل و زاویه داشتن آنان با اسلام را نشان می‌دهد و هم آیی کلمات "الله"، "رسول" و "المسلمین" در جمله «لَمْ يَزَلْ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُسْلِمِينَ عَدُوًّا هُوَ وَأَبُوهُ» مؤید همین معنا بوده و دلالت بر دشمنی ریشه دار معاویه و پدرش با ارکان اساسی اسلام دارد. همچنین کاربرد واژه‌های «ما أسلموا»، «استسلموا» و «أسروا الكفر» که در دایره شمول معنایی واژه «منافق» قرار دارند، پرده از اسلام ظاهری آنان برمی‌دارد.

در جدول بالا واژگان "الظلم"، "البغی"، "العدوان" و "القتال" باهم ذکر شده‌اند (باهم آیی). چنانچه ملاحظه میشود تشابه معنایی بین «ظلم و بغی» و «العدوان و القتال» وجود دارد. علاوه بر آن ذکر این واژگان به همراه کلمات شبه مترادف "قَدْ بَدَّوْكُمْ"، "فَاتَحَوْكُمْ"، "اسْتَقْبَلُوكُمْ" و "اسْتَقْبَلُوكُمْ" و "قَدْ اسْتَطَعْمُوكُمْ" در کلام امام (ع) «فَإِنَّ الْقَوْمَ قَدْ بَدَّوْكُمْ بِالظُّلْمِ، وَفَاتَحَوْكُمْ بِالْبَغْيِ، وَاسْتَقْبَلُوكُمْ بِالْعُدْوَانِ قَدْ اسْتَطَعْمُوكُمُ الْقِتَالَ» دلالت بر ظلم و ستیزه جویی اهل شام دارد و تکرار این مضمون با تعابیر متفاوت تأکید حضرت بر این ویژگی سپاه شام را می‌رساند. علاوه بر این خطبه، در خطبه‌های دیگر نیز آن حضرت واژگان مربوط به ظلم و دشمنی معاویه و سپاهش در کلمات "عَدَاوَتِهِمْ"، "عَدُوًّا" "الباغیة"، "الطَّاعِیة" و "طغیان" باز آیی شده اند.

همچنین واژگان "عَمَسَ" در «عَمَسَ عَلَيْهِمُ الْخَبْرَ»، "يَدْعُونَنِي" در «هُم يَدْعُونَنِي إِلَى عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ» و «مُنَافِقُ ابْنِ مُنَافِقٍ يَدْعُوهُمْ إِلَى النَّارِ»، "قَدْ خَدَعُوا"، "أَشْرَبُوا"، "الْفِتْنَةَ"، "اسْتَمَالُوا"، "الإفك"، "الْبُهْتَان" در خطبه «أَشْرَبُوا قُلُوبَهُمْ حُبَّ الْفِتْنَةِ فَاسْتَمَالُوا أَهْوَاءَهُمْ بِالْإِفْكِ وَالْبُهْتَانِ»، بر جنبه اغواگری سران شام برای تشویق اهل شام به جنگ با امام (ع) دلالت دارند و به نوعی می‌توان همه این عبارات را در شمول معنایی "«وَجَدُوا فِي إِطْفَاءِ نُورِ اللَّهِ» قرار داد. به طور خلاصه واژگان به کار رفته در خطبه‌های مربوط به معرفی سران سپاه شام، به عنوان جبهه باطل در مضامین زیر خلاصه می‌گردد:



شکل 5

معرفی امام علی (ع)

جدول ۳

سند	متن خطبه	سند	متن خطبه
کلام 215 نهج السعاده	وَأَنَا إِذْ ذَاكَ أَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ	کلام 199 نهج السعاده به نقل از شرح ابن ابی الحدید جلد 2 صفحه 210	لَا أَفْعَلُ مَا فَعَلَهُ الْجَاهِلُونَ سَنَعْرِضُ عَلَيْهِمْ كِتَابَ اللَّهِ وَنَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى فَإِنْ أَجَابُوا وَإِلَّا فَفِي حَدِّ السَّيْفِ مَا يُعْنَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ
کلام 205 نهج السعاده	وَمِنَّا خَاتِمُ النَّبِيِّينَ وَفِينَا قَادَةُ الْأِسْلَامِ وَمِنَّا قِرَاءَةُ الْكِتَابِ	خطبه 55 نهج البلاغه	وَأَمَّا قَوْلُكُمْ شَكَّا فِي أَهْلِ الشَّامِ فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَأَنَا أَطْمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي وَتَعُشُوا إِلَيَّ ضَوْئِي وَذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتُلَهَا عَلَيَّ ضَلَالَهَا وَإِنْ كَانَتْ تَبُوءُ بِأَنَايِهَا
کلام 205 نهج السعاده	ندعوكم الى الله وإلى رسوله و (الى) جهادِ عدوه و الشدة في أمره و ابتغاء رضوانه و إقام الصلاة و إيتاء الزكاة ، و حج البيت و صيام شهر رمضان ،	خطبه 4 نهج البلاغه	وَ قَدْ قَلْبَتْ هَذَا الْأَمْرَ بَطْنُهُ وَ ظَهَرَهُ حَتَّى مَنَعَنِي النَّوْمَ فَمَا وَجَدْتَنِي يَسْعُنِي إِلَّا قِتَالَهُمْ أَوْ الْجُحُودَ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله)

	وتوفیر الفی لأهله) علی أهله).		
کلام 205 نهج السعاده	وقد علمتم انی لم أخالف رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَطُّ، وَلَمْ أَعْصِهِ فِي أَمْرٍ قَطُّ (كنتُ) أقيه بنفسی فی المواطن التي ینکصُ فیہ الأبطال	خطبه 43 نهج البلاغه	إِنَّ اسْتِعْذَادِي لِحَرْبِ أَهْلِ الشَّامِ وَجَرِيرِ عُنْدِهِمْ إِغْلَاقٌ لِلشَّامِ وَصَرَفٌ لِأَهْلِهِ عَنِ خَيْرٍ إِنْ أَرَادُوهُ
کلام 205 نهج السعاده	وَلَقَدْ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِنْ رَأْسَهُ لَفِي حِجْرِي وَلَقَدْ وَلَّيْتُ غَسْلَهُ بِيَدِي وَحَدِي تَقْلِبُهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُقْرَبُونَ مَعِي	خطبه 43 نهج البلاغه	وَلَكِنْ قَدْ وَقَّتْ لِحَرْبِي وَقْتًا لَا يُقِيمُ بَعْدَهُ إِلَّا مَخْدُوعًا أَوْ عَاصِيًا وَالرَّأْيُ عِنْدِي مَعَ الْأَنَاءِ فَارْوِدُوا
خطبه 217 نهج السعاده	وَأَلَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَنظُرَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (أضربُ قدامه بسيفي فقال: «لا سيفُ إلَّا ذو الفقارِ وَ لَا فتي إلَّا عليُّ»	خطبه 217 نهج السعاده	وَإِنْ عَمَّ نَبِيِّكُمْ مَعَكُمْ بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ يَدْعُوكُمْ إِلَى (الْجَنَّةِ وَ إِلَى) طَاعَةِ رَبِّكُمْ وَ يَعْمَلُ بِسُنَّةِ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
خطبه 217 نهج السعاده	وَإِنِّي لَعَلِي بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّي وَإِنِّي لَعَلِي الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الْقُطْبَةَ لِقَطَاً	خطبه 217 نهج السعاده	فَلَا سِوَاءَ مَنْ صَلَّى قَبْلَ كُلِّ ذِكْرٍ، لَمْ يَسْبِقْنِي بِصَلَاتِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ أَحَدٌ وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ بَدْرِ وَ مُعَاوِيَةَ طَلِيقِ ابْنِ طَلِيقِ

در میان مضامین مربوط به معرفی و ویژگی‌های امام(ع)، واژه رسول الله (ص) به همراه واژگان مترادف آن یعنی «محمد(ص)، النبی و خاتم النبیین» در مجموع هشت بار تکرار شده است که هم آبی این واژه با ضمیر مستتر "أنا" و ضمیر مجرور "ی" در واژگان « منّا، معی، فی حِجْرِي، لم أخالف، لم أَعْصِهِ، كنت اقيه و... » بر همراهی و پیروی امام از پیامبر اکرم (ص) دلالت دارد و به نوعی نشانگر سابقه ایمان ثابت و درخشان حضرت بوده و همچنین هم آبی کلمات « بَيِّنَةٌ وَ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ » در قالب دو جمله اسمیه تأکیدی « وَ إِنِّي لَعَلِي بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّي وَإِنِّي لَعَلِي الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ » ثابت قدمی حضرت(ع) در حفظ ایمان و بصیرت الهی را در همه دوران نشان می‌دهد. طبق این مضامین مشخص می‌شود امام(ع) برای اثبات ایمان خود از روش استناد به دوران صدر اسلام و همراهی خود با پیامبر اکرم (ص) به عنوان مهمترین سند غیر قابل انکار در نظر مخاطبین، سود جسته اند.

مصدر "دعوت" در قالب صیغه‌های مختلف چهار بار تکرار شده است. در ادامه هم آبی این کلمه با واژگان گوناگون مورد بررسی قرار می‌گیرد: در کلام ۲۰۵ نهج السعاده فعل

«ندعو» همراه با ضمیر "کُم" مجموعه ای از کلمات «الله، رسول، جهاد، رضوانه (الله)، الصلاة، الزکاة و حج البيت وصیام و الفی» را به واسطه حرف عطف «و» به هم وصل نموده است. در خطبه ۲۱۷ نهج السعاده "یدعُو" با "کُم" و "طاعه رب" و در کلام ۲۱۵ نهج السعاده صیغه "أدعُو" با ضمیر "هُم" و "الإسلام" همراه شده است. در نهایت در کلام ۱۹۹ نهج السعاده کلمه "ندعُو" با ضمیر "هُم" و کلمه "الهدی" همراه شده است. این مضامین و تکرار آنها به طرق مختلف، بعد شخصیتی هدایتگرانه امام (ع) را برجسته می‌سازد. نکته شایان توجه این است که مضامین ایشان درباره مخاطبین دعوت و موضوعات دعوت ایشان به دو دسته کلی قابل تفکیک است که در جدول زیر نمایش داده شده است:

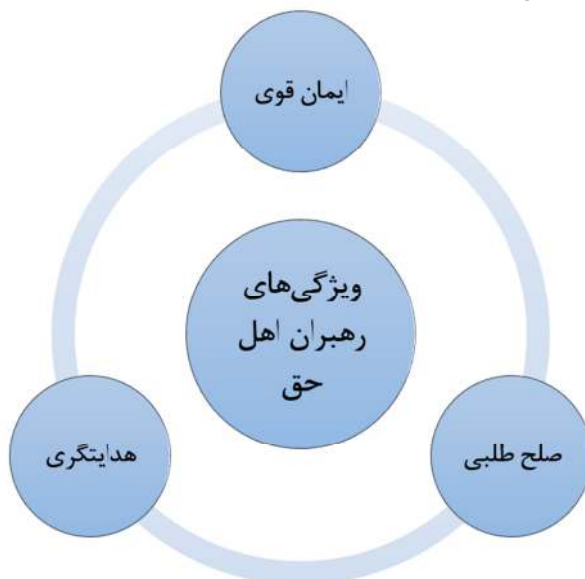
جدول 4

مخاطبین دعوت	موضوع دعوت	مقصود از دعوت
هُم (سپاه شام)	الإسلام، الهدی	دعوت به اصل اسلام
کُم (سپاه امام (ع))	الله، رسول، جهاد، رضوانه (الله)، الصلاة، الزکاة و حج البيت وصیام، الفی و طاعة رب	دعوت به اجرای احکام اسلام
دعوت امام علی (ع) در جنگ صفین		

بنابراین طبق جدول بالا روشن میشود، با توجه به شناخت حضرت از ماهیت سپاه خود و سپاه دشمن، مضامین ذکر شده در موضوع دعوت سپاه شام در شمول معنایی اسلام و مضامین ذکر شده در موضوع دعوت سپاه امام (ع) در دایره شمول معانی احکام اسلام قرار گرفته است.

علاوه بر مطالب گفته شده تکرار صیغه‌های مختلف مصدر «دعوت» همراه با ضمیر "هم" (اشاره به سپاه دشمن)، همراه با «عرض کتاب الله» در فراز «سَنَعْرِضُ عَلَيْهِمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى» (کلام ۱۹۹ نهج السعاده) و کلمه "أرودوا" (توصیه سپاه خود به تأخیر در شروع جنگ) در جمله «وَالرَّأْيُ عِنْدِي مَعَ الْأَنَاةِ فَأَرُودُوا» خطبه ۴۳ نهج البلاغه، جنبه‌های صلح طلبانه حضرت را متصور می‌سازد که به نوعی در راستای بُعد هدایتگرانه شخصیت امام (ع) قرار دارد. هم آبی دو کلمه "أطمع" و "تهتدی" در جمله «فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَأَنَا أَطْمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي...» خطبه ۵۵ نهج البلاغه و هم آبی کلمه "سَنَعْرِضُ" و "الهدی" در «سَنَعْرِضُ عَلَيْهِمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى» (کلام ۱۹۹ نهج السعاده) به وضوح مؤید این امر است. بنابراین، به طور خلاصه

واژگان به کار رفته در خطبه‌های مربوط به معرفی امام (ع)، به عنوان رهبر جبهه حق در مضامین زیر خلاصه می‌گردد:



شکل ۶

#### ۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش بر پایه واحد تحلیل مضمون، خطبه‌های جهادی امام (ع) (جنگ جمل و صفین) بر اساس نرم افزار تحلیل داده‌های کیفی مکسکیودا (MAXQDA) در دو مقوله کلی کنش دشمن و واکنش امام علی (ع) دسته بندی شده و در قالب جدول ذکر شده است. سپس عناصر انسجام واژگانی در آن‌ها بررسی شده و در نهایت مشخص شد که جملات متن خطبه‌ها از جهات مختلف با هم انسجام دارند و با هم در ارتباط هستند و یا حتی بسیاری از عناصر انسجام واژگانی به طور هم زمان در یک بند به کار رفته و متنی یکپارچه ساخته اند. در این پژوهش، نه تنها به بررسی عناصر واژگانی در خطبه‌های جهادی امام علی (ع) پرداخته شده بلکه به بررسی انسجام محتوایی متن آنها نیز توجه شده و نتایج زیر حاصل شده است:

- در فرازهای مربوط به کنش اصحاب جمل، کلمات محوری «أراد، نکث بیعت، الشک، زعم، حسد» از طریق ترادف معنایی و تکرار بازآیی شده‌اند که عبارتند از

بیعت شکنی، حرص و طمع، شک و مغالطه گری، خصومت شخصی و غوغا  
سالاری

- در جملات مربوط به واکنش امام(ع) در مقابل کنش رفتاری اصحاب جمل، مضامینی از جمله صبر، یقین و آرامش، توکل به خداوند و صلح طلبی و هشدار با تعابیر متفاوت بازآیی شده اند. از مقایسه این دو دسته از مضامین مشخص می شود که رویکرد امام(ع) و رویکرد اصحاب جمل در تقابل با یکدیگر قرار دارد: یقین در مقابل شک، خصومت و غوغا و هیاهو در مقابل صبر و صلح طلبی

- در جملات مربوط به سران سپاه شام تکرار واژه های «اسلام، الله، رسول و مسلم» در سیاق جمله های منفی و همچنین هم آیی کلمات «الظلم، عدوان، بغی و قتال» و تکرار واژه «دعوه، فک، بهتان، فتنه و خدعه» مضامین «کفر باطنی، ستیزه جویی و اغواگری» را در ذهن مخاطبین متبلور می سازد.

- در میان فرازهای خطبه های حضرت که در فضای جنگ صفین به معرفی ویژگی های خویش اختصاص فرموده است، واژه «رسول الله» و مترادف آن در مجموع هشت بار تکرار شده است و هم آیی این واژه با ضمیر مستتر أنا و مانند آن، ارائه سندی محکم برای اثبات سابقه ایمان درخشان ایشان محسوب می گردد. تکرار واژه «دعوت» با هم آیی کلمه اسلام و ارکان اسلام، جنبه هدایتگرانه امام(ع) را برجسته می سازد که در خطاب به سپاه خویش معطوف به دعوت آنها به رعایت احکام اسلام است و در خطاب به سپاه دشمن معطوف به دعوت آنها به اصل اسلام است و این موضوع بر اساس شناخت امام(ع) از مخاطبین است. علاوه بر آن تکرار واژه دعوت به همراه کلماتی از قبیل «هدی و کتاب الله» در مورد دشمن دلالت بر شخصیت صلح طلبانه امام(ع) دارد.

- با مقایسه این مضامین نیز، تقابل ویژگی های چهره حق و باطل روشن می شود: ایمان در مقابل کفر، هدایتگری در مقابل اغواگری، صلح طلبی در مقابل ستیزه جویی. این نوع تقابل در خطبه های جهادی حضرت از خاصیت انسجامی فراوانی برخوردار است. در واقع می توان گفت تقابل به عنوان یک عامل انسجامی - بلاغی تأثیر قابل توجهی در انسجام معنایی خطبه، تعامل و مشارکت با دیگر عوامل انسجام ساز مانند تکرار، ترادف و همچنین ایجاد فضایی دوگانه در ساختار کلی خطبه ها دارد.

- به طور خلاصه می‌توان گفت پیوستگی در متن که به واسطه وجود عناصر انسجام بخش و عواملی نظیر آن ایجاد شده موجب عمق معنایی، تأثیرگذاری، جذابیت و اقتناع مخاطب گشته و شاید بتوان گفت با استفاده از این روش در موضوعات و آثار مختلف، اصالت تعلق اثر به صاحبش را ثابت کرد که البته این موضوع نیازمند بحث و تحقیق بیشتر است.

### کتاب‌نامه

- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ایشانی، طاهره (۱۳۹۵). نظریه انسجام و پیوستگی و کاربست آن در تحلیل متون (غزل حافظ و سعدی)، تهران: انتشارات دانشگاه خوارزمی.
- ایمان، محمد تقی و نوشادی، محمدرضا (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی». مجله پژوهش. سال دوم، شماره دوم، صص ۴۴-۱۵.
- پالمر، فرانک (۱۳۷۴). نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر نو.
- جردادق، جورج (۱۳۷۳). بخشی از زیبایی‌های نهج البلاغه، ترجمه محمد رضا انصاری، تهران: کانون انتشارات محمدی.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روشهای پژوهش کیفی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- سارلی، ناصرقلی و ایشانی، طاهره (۱۳۹۰). «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی»، نشریه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، سال دوم، شماره چهارم، صص ۷۸-۵۱.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲). موسیقی شعر، چاپ ۱۴، تهران: نشر آگه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۴). بیان و معانی، تهران: انتشارات فردوس.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: نشر سوره مهر.
- فروزنده، مسعود و بنی طالبی، امین (۱۳۹۳). «ابزارهای آفریننده انسجام متنی و پیوستارهای بلاغی در ویس و رامین»، نشریه بوستان ادب، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۳۴-۱۰۷.
- لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱). «درآمدی به سخن کاوی»، مجله زبان‌شناسی، سال نهم، شماره هفدهم، صص ۱۲۲-۱۰۹.
- مؤمنی راد، اکبر (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، علوم تربیتی: انداز‌گیری تربیتی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۸۷-۲۲۲.
- مهرداد، ندا و دیگران (۱۳۹۴). تحلیل محتوای کیفی، تهران: مرکز نشر بشری.



کاربست دوگانه نظریه انسجام و تحلیل محتوای ... (نازی قنبری پریخانی و علی باقر طاهری نیا) ۲۲۹

وفایی، عباسعلی و دیگران (۱۳۹۶). «بررسی انسجام و روابط واژگانی در داستان گیومرت»، متن پژوهی ادبی، سال ۲۱، شماره ۷۳، صص ۲۹-۵۲.

ولیئی، یونس، میرزایی الحسینی، سید محمود و فرهادی، محمد (۱۳۹۵). «عوامل انسجام متنی در سوره نوح»، فصلنامه پژوهش‌های زیان‌شناختی قرآن، سال پنجم، شماره اول، صص ۸۶-۶۹.

هالیدی، مایکل و حسن، رقیه (۱۳۹۳). زبان، بافت و متن (جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی - نشانه‌شناختی، ترجمه مجتبی منشی زاده و ایشانی، تهران: انتشارات علمی.

منابع عربی

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۲۸). شرح نهج البلاغه، بغداد: دار الكتاب العربی.

صالح، صبحی (۱۴۲۵). نهج البلاغه، قاهره: دار الكتاب مصری.

عبدالمجید، جلیل (۱۹۹۸). البديع بين البلاغة العربیة و اللسانیات النصیة، هیئة المصریة العامه للكتاب.

محمد، عزة شبل (۲۰۰۹). علم لغة النص: النظریة و التطبيق، مكتبة الآداب.

محمودی، محمد باقر (۱۳۷۶). نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۸۲). وقعة صفین، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، الطبعة الثانية، القاهرة: مؤسسه العربیة الحدیثة.

Haliday, M.A.K. & Hasan, R (1976). Cohesion in English .London: Longman